



وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
بررسی نظام حکومتی غزنویان و تأثیر آن بر زبان و شیوهی بیان مطالب
در تاریخ بیهقی

استاد راهنما:

دکتر تقی پور نامداریان

استاد مشاور:

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر:

راحله لاهوتی

مهر ماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به دوستان خردورزی:

آیندگان بدانند،

ایجا،

مقصود از کلام،

تدبیر حمل مشعله ای بود در ظلام

(دکتر م. ر. شفیع کدکنی)

چکیده

با توجه به گسترش نقد ادبی در سال‌های اخیر، می‌توان به بازبینی دوباره‌ی آثار ادبی در نظرگاه‌های جدید پرداخت. هدف این رساله بررسی جامعه‌ی عصر بیهقی و نگاهی جامعه‌شناختی بر نوشتار بیهقی است تا سیاست‌های حاکم بر ایران قرن پنجم و در زمان حکومت غزنویان از آن دریافته شود. پس از شناخت جامعه‌ی عصر غزنوی از تاریخ بیهقی و منابع دیگر، سعی شده است تاثیر جامعه و قدرت حاکم بر آن مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد. در این پژوهش ساختار حکومتی جامعه عصر غزنوی، مطالعه شد تا آشکار شود این ساختار چگونه بر زبان و شیوه‌ی بیان تاثیر می‌گذارد و کدام یک از عناصر زبانی تاثیر قدرت و ساختار حکومتی را بهتر می‌نماید. پیداست که نمی‌توان به تحلیل درست گفتمان پرداخت مگر آن‌که محیط سیاسی و اجتماعی ظهور گفتمان را مطالعه شود. به همین سبب در بخش‌های مختلف این رساله ابعاد مختلف حکومت استبدادی غزنویان از نظر مراتب قدرت و ایدئولوژی حاکم بر آن تا آن‌جا که در حوصله‌ی این رساله بوده بررسی شده است و سپس تاثیرپذیری زبان و شیوه‌ی بیان را با دقت بر جزییات زبان نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: تاریخ غزنویان، حکومت استبدادی، گفتمان، زبان، فرهنگ، تاریخ بیهقی

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول:

- جامعه‌شناسی ادبیات (ارتباط متقابل اثر و جامعه) ۹-۲
- ۱-۱. مقدمه ۲
- ۲-۱. ارتباط و نقش متقابل جامعه و اثر ادبی ۲
- ۳-۱. نتیجه‌گیری ۹

فصل دوم:

- خصوصیات حکومت‌های استبدادی، زمینه‌های پیدایش و تداوم آن در ایران ۲۲-۱۱
- ۱-۲. مقدمه ۱۱
- ۲-۲. حکومت استبدادی ۱۲
- ۳-۲. زمینه‌ی پیدایش حکومت استبدادی در ایران ۱۴
- ۴-۲. ویژگی‌های حکومت استبدادی ۱۵
- ۴-۲-۱. تعریف استبداد ۱۵
- ۴-۲-۲. سیاست‌های شخص مستبد برای حکمرانی ۱۵
- ۵-۲. زمینه‌های تداوم و استمرار حکومت استبدادی در ایران ۱۹
- ۶-۲. نتیجه‌گیری ۲۲

فصل سوم:

- خاندان غزنوی، سازمان‌ها و ساختار سیاسی-اجتماعی آنان ۷۱-۲۴
- ۱-۳. مقدمه ۲۴
- ۲-۳. تاریخچه‌ی خاندان غزنوی و به قدرت رسیدن آنان ۲۵
- ۳-۳. نظام دیوانی - اداری غزنویان ۲۸
- ۳-۳-۱. امیر (پادشاه) ۲۸
- ۳-۳-۲. دیوان وزارت ۲۸

- ۳-۳-۳. دیوان استیفاء (وزارت مالیه) ۲۹
- ۳-۳-۴. دیوان رسالت ۲۹
- ۳-۳-۵. دیوان عرض سپاه (وزارت لشکر) ۳۰
- ۳-۳-۶. دیوان حرس یا شرطه (نظمیه) ۳۰
- ۳-۳-۷. دیوان اشراف (ناظران و آگاهان به امور جامعه و خبرآوری) ۳۱
- ۳-۳-۸. دیوان برید (ارتباطات) ۳۲
- ۳-۳-۹. دیوان قضاء (عدلیه) ۳۳
- ۳-۳-۴. سیاست‌های حکومت غزنویان ۳۴
- ۳-۴-۱. تفکر در مورد پادشاهی ۳۴
- ۳-۴-۲. ارتباط سلطان و خلیفه ۳۶
- ۳-۴-۳. ایدئولوژی مذهبی و پیامدهای آن ۴۰
- ۳-۴-۴. مذهب اشعریان ۴۳
- ۳-۴-۵. نوع عملکرد در قبال علم و ادب ۴۷
- ۳-۴-۶. پذیرش استبداد در میان بزرگان اندیشه ۵۲
- ۳-۴-۷. تنبیه و مجازات (نظام مشرفی گری) ۵۴
- ۳-۴-۸. وضعیت مردم طبقات پایین ۵۸
- ۳-۴-۹. ارتش و تجهیزات نظامی ۵۸
- ۳-۴-۱۰. اطرافیان و حامیان دربار ۶۰
- ۳-۴-۱۱. مال دوستی غزنویان ۶۱
- ۳-۴-۱۲. دربار غزنویان ۶۲
- ۳-۴-۱۳. ثروت و اقتصاد ۶۳
- ۳-۴-۱۴. مشورت کردن ۶۶
- ۳-۴-۱۵. گروه‌گیری ۶۷
- ۳-۵. رفتارهای حکومت استبدادی و نتایج آن ۶۷
- ۳-۶. زمینه‌های پذیرش استبداد در میان مردم ایران ۶۹
- ۳-۶-۱. علل نفوذ استبداد در ایران قرن پنجم ۶۹
- ۳-۷. نتیجه‌گیری ۷۰

فصل چهارم:

نقش آثار ادبی در فرهنگ‌سازی جامعه و ضرورت تحلیل گفتمان موجود در متن ۷۳-۹۳

۷۳ ۱-۴. مقدمه
۷۳ ۲-۴. اهمیت آثار در ساختار قدرت
۷۵ ۳-۴. نقش طبقه‌ی دبیران
۷۷ ۴-۴. جایگاه تاریخ در فرهنگ‌سازی
۷۸ ۵-۴. نقش اندیشه‌ی سیاسی، اجتماعی مورخان
۸۰ ۶-۴. تاریخ‌نگاری در اسلام و جایگاه تاریخ‌بیهقی
۸۱ ۷-۴. بررسی علم تحلیل گفتمان و تأثیرات آن در متن
۸۲ ۱-۷-۴. تعریف تحلیل گفتمان
۸۳ ۲-۷-۴. مفاهیم اساسی در تحلیل گفتمان
۸۵ ۳-۷-۴. نقش زبان در تثبیت گفتمان
۸۵ ۴-۷-۴. نقش نویسنده در مقابل گفتمان متن
۸۶ ۵-۷-۴. نقش هنر و زبان در تحلیل گفتمان و شناخت جامعه
۸۸ ۶-۷-۴. اهمیت نقش گفتمان در ساختار قدرت
۸۹ ۷-۷-۴. طریقه‌ی عملکرد گفتمان، تحلیل گفتمان و ابزار آن
۹۳ ۸-۴. نتیجه‌گیری

فصل پنجم:

بررسی کاربرد زبان و روایت در تاریخ‌بیهقی ۹۵-۱۲۴

۹۵ ۱-۵. مقدمه
۹۶ ۲-۵. آثار بیهقی
۹۶ ۳-۵. کارکرد ادبی زبان
۱۰۰ ۱-۳-۵. آشنایی‌زدایی
۱۰۳ ۲-۳-۵. بلاغت
۱۰۶ ۴-۵. تلفیق نظم و نثر در تاریخ‌نویسی
۱۰۷ ۵-۵. روایت داستانی در تاریخ‌بیهقی
۱۱۰ ۱-۵-۵. شخصیت‌پردازی

۱۱۳.....	۲-۵-۵. توصیف.....
۱۱۴.....	۳-۵-۵. گفت و گو، زاویه دید.....
۱۱۷.....	۴-۵-۵. عاطفه و لحن.....
۱۱۹.....	۵-۵-۵. طرح و پیرنگ.....
۱۲۱.....	۶-۵-۵. جابه جایی زمان بیان حوادث.....
۱۲۱.....	۷-۵-۵. حکایات و تمثیلات.....
۱۲۲.....	۸-۵-۵. فاصله‌ی هنرمندانه.....
۱۲۲.....	۹-۵-۵. صحنه‌پردازی.....
۱۲۴.....	۶-۵-۶. نتیجه‌گیری.....

فصل ششم:

۱۲۶-۱۸۵.....	اهمیت علم و دانش در حکومت غزنوی و تحلیل زبان، بیان، گفتمان.....
۱۲۶.....	۱-۶. مقدمه.....
۱۲۶.....	۲-۶. جنبه‌های حکومتی در دانش و فرهنگ و ایجاد گفتمان.....
۱۲۷.....	۱-۲-۶. ضرورت اهمیت علم و دانش در حکومت غزنویان.....
۱۲۸.....	۲-۲-۶. گفتمان حاکم بر سلسله‌ی غزنوی.....
۱۳۱.....	۳-۲-۶. طبقه‌ی دبیر در عصر غزنویان.....
۱۳۲.....	۳-۶. تأثیر گفتمان حاکم بر اندیشه و جهان‌بینی بیهقی.....
۱۳۷.....	۴-۶. تأثیر قدرت بر زبان و واژگان.....
۱۳۷.....	۱-۴-۶. زبان مدحی و نشانه کردن الفاظ و واژگان در زبان.....
۱۴۲.....	۲-۴-۶. گزینش لغات و واژگان.....
۱۴۳.....	۳-۴-۶. تأثیر بافت موقعیت طبقاتی در زبان بیهقی.....
۱۵۴.....	۵-۶. تأثیر قدرت بر دستور.....
۱۵۴.....	۱-۵-۶. فرآیند اسم‌سازی.....
۱۵۵.....	۲-۵-۶. افعال مجهول.....
۱۵۶.....	۳-۵-۶. اسم جنس.....
۱۵۷.....	۴-۵-۶. مشخص نکردن فاعل و جمع آوردن افعال.....

- ۱۵۸.....۵-۵-۶. استفاده از رابطه‌ی علی میان جملات (جملات مرکب).....
- ۱۵۹.....۶-۵-۶. استفاده از صفت و نقش اشخاص در مقابل هويت خاص (صفت جایگزین موصوف).....
- ۱۶۰.....۷-۵-۶. جابه‌جایی ارکان جمله.....
- ۱۶۱.....۶-۶. بیان و زبان نویسنده.....
- ۱۶۱.....۱-۶-۶. بیان به صورت غیرشخصی.....
- ۱۶۲.....۲-۶-۶. سکوت در بیان روایت از طریق افزایش احتمالات در زبان.....
- ۱۶۳.....۳-۶-۶. جملات ربطی و کنشی.....
- ۱۶۴.....۴-۶-۶. بیان به صورت مشخص و دور از هرگونه ابهام.....
- ۱۶۵.....۵-۶-۶. تبریته کردن سلطان از طریق زبان و آوردن رابطه‌ی علی میان جملات.....
- ۱۶۹.....۷-۶. تأثیر قدرت بر هنر بلاغت و موسیقی.....
- ۱۶۹.....۱-۷-۶. بلاغت.....
- ۱۷۰.....۲-۷-۶. موسیقی.....
- ۱۷۱.....۸-۶. نقش زبان و سبک در مقابل نفوذ گفتمان و فرهنگ حاکم.....
- ۱۷۴.....۱-۸-۶. توصیف جزئیات.....
- ۱۷۵.....۲-۸-۶. لحن.....
- ۱۷۶.....۳-۸-۶. شخصیت‌پردازی و مکالمه در تاریخ بیهقی.....
- ۱۷۹.....۴-۸-۶. تلفیق شعر و نشرو بیان جهان‌بینی به صورت عام.....
- ۱۸۰.....۵-۸-۶. حکایات.....
- ۱۸۱.....۶-۸-۶. استفاده از نقل‌قول غیرمستقیم در شیوه‌ی بیان مطالب.....
- ۱۸۲.....۹-۶. تأثیر مخاطب در گزینش مطالب.....
- ۱۸۷.....سخن پایانی.....
- ۱۹۶.....کتابنامه.....

چکیده انگلیسی (Abstract)

پیشگفتار

نقد اجتماعی یکی از رویکردهای مهم نقد ادبی است که با توسل به آن می‌توان به درک عمیق‌تری از متن دست یافت. این نقد امکان روشن شدن زوایای مختلف اثر با تمام مختصات ویژه‌ای را که جامعه در آن جلوه کرده است، فراهم می‌کند.

اگر پذیرفته شود که اثر و جامعه و تأثیراتی که بر روی یکدیگر می‌گذارند، غیر قابل تفکیک است، این رویکرد به بررسی چگونگی این پیوند در آثار مختلف پرداخته است.

تاریخ بیهقی که در قرن پنجم درباره‌ی حکومت غزنویان توسط مورخی ادیب و برجسته به نگارش درآمده است، یکی از آثار گران‌سنگ ادبیات کلاسیک ایران محسوب می‌شود. با نگاهی جامعه‌شناختی به این اثر می‌توان به بررسی جنبه‌های محتوایی و زبانی که متأثر از جامعه و شرایط ناشی از آن است، پرداخت.

نقد جامعه‌شناختی در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است و پرداختن به این مقوله امکان بررسی جنبه‌های جدیدتری از متون (از جمله تاریخ بیهقی) را فراهم می‌کند. بررسی محتوای یک اثر به اندازه‌ی جنبه‌های ادبی آن دارای اهمیت است و با توجه به پژوهش‌های اندکی که در این زمینه درباره‌ی متون کهن انجام گرفته است، باید کوشید تا گسترش نقد جامعه‌شناختی در متون غنی ادبیات فارسی از جمله بیهقی را مورد توجه قرار گیرد.

تاریخ بیهقی جدا از تمام زمینه‌های عمیق ادبی، دارای محتوایی است که دغدغه‌ی اصلی بیهقی برای رساندن پیام به مخاطب است. بیهقی از طریق محتوا و زبانی که برگزیده است سعی در ترسیم جامعه‌ی قرن پنجم داشته است، بنابراین از محتوای این تاریخ ارزشمند می‌تواند برای دوره‌های آتی نیز مثمر ثمر باشد و نباید از آن غفلت کرد. از خلال متن تاریخ بیهقی، ویژگی‌ها جامعه‌ی ایران قرن پنجم روشن می‌شود. در هر دوره‌ای مجموعه‌ای از آیین‌ها و سنت‌ها در میان عوام و حکمرانان وجود دارد که دسترسی به آن‌ها تنها از طریق متون به جا مانده از هر عصری امکان‌پذیر است. با مطالعه‌ی تاریخ بیهقی فضای حاکم سیاسی-اجتماعی در دوران حکومت غزنویان مشخص می‌شود.

تاریخ بیهقی با سبک خاصی که بیهقی در نوشتارش به کار برده است، جزء آثار ادبی محسوب می‌شود. بررسی این اثر از دریچه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات و توجه به محتوای متن در ارتباط با جامعه، به شناخت عمیق‌تر متن و جنبه‌های گوناگون اثر منجر می‌شود. در واقع، در عین بررسی ساختار سیاسی و اجتماعی غزنویان در ایران قرن پنجم، تأثیرات ناشی از این شیوه‌ی حکومتی بر زبان و بیان مطالب بیهقی در این اثر گرانقدر به جامانده از حکومت غزنویان بررسی می‌شود. زیرا نگاه جامعه‌شناسانه به اثر، زمینه‌ی شناخت چگونگی تجلی جامعه در ارکان گوناگون اثر را فراهم می‌کند.

برای دستیابی به این هدف، بررسی این نکات ضروری است که ساختار حکومت غزنویان و مخاطبان تاریخ بیهقی مشخص گردد تا روشن شود که این جنبه‌ها چه تأثیری بر گزینش مطالب و شیوه‌ی بیان بیهقی و سبک زبانی او داشته‌اند.

این رساله شامل شش فصل است، فصل اول نگاهی به جامعه‌شناسی ادبیات و پیوند جامعه و ادبیات، فصل دوم خصوصیات حکومت‌های استبدادی، فصل سوم سیاست‌ها و نظام حکومتی غزنویان از جنبه‌های گوناگون، فصل چهارم چگونگی بررسی جایگاه آثار بویژه آثار ادبی در مقوله فرهنگ سازی و علت حساسیت حکومت بر نوشته و قلم و معرفی علم تحلیل گفتمان که تا تأثیرات متقابل جامعه- اثر را بررسی می‌کند، فصل پنجم بررسی جنبه‌های ادبی این تاریخ که آن را جزء آثار ادبی قرار داده است، فصل ششم بازتاب جامعه و گفتمان حاکم بر حکومت غزنوی در زبان و شیوه‌ی بیان مطالب تاریخ بیهقی. در پایان هر فصل نتیجه‌گیری کوتاهی به عمل آمد و در پایان استنتاج کلی از مطالب، زیر عنوان سخن پایانی ارائه شده است.

روش تحقیق در این رساله، روش کتابخانه‌ای است. نکاتی که از نظر نگارشی در این رساله توجه به آن‌ها ضروری است بدین قرار است: برای ارجاع در این رساله از روش درون متنی استفاده شده است (نام خانوادگی مولف، سال انتشار: شماره صفحه)، این نکته لازم به ذکر است که هرگاه مطلبی از تاریخ بیهقی ذکر شده است، شماره‌ی صفحه آن، بدون ذکر عنوان کتاب، مقابل مطلب در داخل پرانتز آمده است. معادل‌های انگلیسی در پاورقی آورده شده است. در پایان رساله منابع و مقالات مورد استفاده آمده است.

در پایان از زحمات بی‌شائبه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان و راهنمایی‌های جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر کمال تشکر را دارم، هم چنین از همراهی استاد ارجمند جناب آقای دکتر ناصر تکمیل همایون که ضمن راهنمایی اینجانب، داوری رساله را نیز پذیرفته‌اند، سپاسگزارم.

الف- تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی پژوهش

بررسی ابعاد مختلف حکومت غزنویان ارتباط میان حکومت و مردم و درباریان و تأثیر این نظام

حکومتی بر عناصر مختلف زبان و شیوه‌ی بیان بیهقی

۱. ساختار حکومت غزنویان چگونه است؟

۲. مخاطب تاریخ بیهقی کیست؟

۳. مخاطبان فرضی تاریخ بیهقی چه تأثیری بر سبک بیان تاریخ بیهقی دارند؟

۴. تاریخ بیهقی تا چه حد تحت تأثیر دربار و نظام حکومتی آن است؟

۵. نظام حکومتی غزنویان چه تأثیری بر گزینش مطالب در این اثر دارد؟

۶. ابعاد مختلف حکومت غزنویان و شخصیت‌های درباری چه تأثیری بر سبک زبانی تاریخ بیهقی

دارد؟

ب- پیشینه‌ی پژوهش و ضرورت انجام آن

از دیگر آثار تألیف شده در این زمینه:

تاریخ غزنویان (ادموند کلیفورد بازورث ترجمه‌ی حسن انوشه)، تاریخ اجتماعی ایران (مرتضی راوندی)، زمانه، زندگی و کارنامه‌ی بیهقی (مریلین والدمن رابینسون ترجمه‌ی منصوره اتحادیه)، ساخت دولت در ایران (غلامرضا انصاف پور)، ابوالفضل بیهقی و جامعه‌ی غزنوی (احسان طبری) و یادنامه‌ی تاریخ بیهقی که شامل مقالاتی است که در کنگره‌ی بیهقی در دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۹ ارائه شدند.

از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده‌اند می‌توان به:

حضور مردم در کتاب ارزشمند تاریخ ابوالفضل بیهقی (ولی الله میرزا محمدی)، سیاست کشورداری در تاریخ بیهقی (پرتو سادات یزدانی)، هنر نویسندگی بیهقی (غلامحسین یوسفی)، سیمای مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی (جلال متینی)، جهان بینی ابوالفضل بیهقی (محمد علی اسلامی ندوشن)، تاریخ نگاری بیهقی (عباس زریاب خویی) آتش‌زاد (دکتر ابوالقاسم رحیمی) بیهقی و اندیشه‌ی سیاسی (ناصرسیفی)، بیهقی و نمایش واقعیات پشت پرده (دکتر سید مرتضی میرهاشمی)، روان‌شناسی قدرت در عصر غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی (بشری دلریش)، فرهنگ استبداد پرور (دکتر ابوالقاسم رحیمی) اشاره کرد.

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد:

مناسبات سیاسی و اجتماعی در تاریخ بیهقی (افشین رسولی دانشجوی کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰-۱۳۸۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به راهنمایی استاد دکتر اسدالله کفافی، تحلیل زبان روایت در تاریخ بیهقی) مهدی دادخواه تهرانی دانشجوی کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۳ دانشگاه یزد به راهنمایی استاد دکتر سید جمال الدین مرتضوی)، جهت‌گیری اندیشه‌ی بیهقی (مهدی حقیقیان دانشجوی کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷ دانشگاه آزاد مشهد به راهنمایی استاد دکتر خسروان)، چهره‌ی اوضاع اجتماعی عصر غزنوی در آینه‌ی تاریخ بیهقی (سیما وزیرنیا دانشجوی کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۴ دانشگاه آزاد تهران به راهنمایی استاد دکتر جعفر شعاریان مقاری)، آداب، تشریفات و رسوم دربار غزنه در تاریخ بیهقی (محمد مهدی عظیمی‌فر دانشجوی کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به راهنمایی استاد دکتر غلامحسین مرزآبادی)، آیین کشورداری (سیاست مدن) در تاریخ بیهقی (پرتو سادات یزدانی دانشجوی کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۵ دانشگاه آزاد اسلامی کرج به راهنمایی دکتر عباس ماهیار) نیز به این مقوله پرداخته است.

پایان‌نامه‌های معرفی‌شده از جنبه‌های گوناگون به تاریخ بیهقی پرداخته‌اند و سعی در ارائه تصویری از جامعه و مناسبات سیاسی-اجتماعی عصر غزنویان نموده‌اند؛ در ادامه‌ی مسیر این بزرگواران، در این پژوهش سعی شد با تمرکز کردن بر رابطه‌ی میان نظام حکومتی غزنویان و زبان و ادبیات بیهقی، مسیر متمایزی در پیش گرفته شود و علاوه بر پرداختن به اوضاع اجتماعی-سیاسی، تاثیر و تجلی شرایط در تاریخ بیهقی مرد بررسی قرار گیرد.

این پژوهش از جهت بررسی محتوای تاریخ بیهقی بسیار حائز اهمیت است تا زمینه‌ها و دلایل پیدایش جهان‌بینی و سبک نویسندگی بیهقی در ایران با توجه به آثار تاریخی باقی مانده از این دوره (که تاریخ بیهقی از اهم آنان) است مورد بررسی قرار گیرد و بیان شود که نوع حکومت و قدرت ناشی از آن چه تأثیری بر فرهنگ و ادبیات جامعه داشته و چگونه آن را هدایت می‌کند.

ج. فرضیه‌های پژوهش

۱. حکومت غزنویان حکومتی استبدادی است و چنین نظامی بر همه ابعاد و پدیده‌های جامعه و از جمله تاریخ و ادبیات تأثیر خاص خود را دارد.

۲. مخاطبان بیهقی دربار غزنویان و حاکمان وابسته به آن است.

۳. میان نوع حکومت غزنویان و زبانی که بیهقی برای بیان مطالب خویش برگزیده است ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

۴. مخاطبان فرضی تاریخ بیهقی بر زبان و شیوه بیان و کیفیت طرح مطالب در تاریخ بیهقی تأثیر میگذارند.

۵. بیهقی به عنوان کسی که در خدمت دربار است نمی‌تواند از تأثیر مقام درباری خود برکنار باشد.

۶. ماهیت نظام حکومتی غزنویان بر گزینش مطالب و وقایع تاریخ که بیهقی مطرح می‌کند، مؤثر است.

د. جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش در چیست؟

اصولاً آسیب‌شناسی (پاتولوژی) در ادبیات ایران بحث جدیدی است که از جمله در پژوهش‌های ادبی مورد بحث قرار می‌گیرد.

با توجه به گستردگی حوزه‌ی مطالعاتی ادبیات و وارد شدن بعضی از علوم مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و تاریخ در حیطه‌ی نقد ادبی نگرش‌های جدید و متفاوتی می‌توان درباره‌ی محتوای متون ارائه داد.

با توجه به عمق محتوای تاریخ بیهقی و ناظر بودن بیهقی بر بسیاری از حوادث می‌توان از دریچه‌ی مباحث جدید همچون جامعه‌شناسی ادبیات، نگاهی تازه به آن داشت.

فصل اول:

جامعہ شناسی ادبیات

(ارتباط متقابل اثر و جامعہ)

جامعه‌شناسی ادبیات (ارتباط متقابل اثر و جامعه)

۱-۱. مقدمه

ادبیات یکی از مقوله‌های فرهنگی است که در بستر جامعه دستخوش رشد و تغییر و تحولات متعددی در طول تاریخ خود شده است. بنابراین، امری که در بطن و متن جامعه متولد می‌گردد از تأثیرات بستر خویش نمی‌تواند برکنار بماند و بدون شک فراز و نشیب‌های اجتماعی در ادبیات هر جامعه‌ای متبلور می‌شود. تاریخ بیهقی نیز از این مقوله مستثناء نیست به ویژه که دو رویکرد در این کتاب مشاهده می‌شود که ارتباط آن را با جامعه‌ی زمان خود مستحکم‌تر می‌سازد از یک سو تاریخ بیهقی به عنوان یک اثر ادبی شناخته می‌شود (درمورد ادبی بودن این اثر در فصل دیگری به تفصیل بحث خواهد شد) که آن را به جامعه متصل می‌گرداند و از سویی دیگر تاریخ بیهقی بازگو کننده‌ی وقایع تاریخی موجود در جامعه است. تاریخ لایه‌های یک جامعه را موشکافی و وقایع آن را بازگو می‌کند. بنابراین، نمی‌توان کتب تاریخی را از جوامعی که بدان‌ها می‌پردازد منفک کرد. برای به دست آمدن شناختی نسبت به هر دو سوی رابطه، بررسی رویکرد جامعه‌شناسانه در یک اثر ضروری است.

۱-۲. ارتباط و نقش متقابل جامعه و اثر ادبی

تحقیق و پژوهش درباب ارتباط میان این دو مقوله (جامعه — اثر ادبی) در دوره‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ اگرچه ارسطو از روزگاران دوری براین اعتقاد است که «هیچ کس از روزگار باستان ارجاع اثر ادبی به عناصری از واقعیت اجتماعی یا آگاهی مشترک ملت یا گروه خاصی را منکر نیست» (لنار، ۱۳۷۷: ۸۳).

ردپای خصوصیات اجتماعی و ساختار جامعه در اثر قابل مشاهده است اما گستردگی پژوهش در این قلمرو به طور مستقل عمر طولانی ندارد و در سده‌های اخیر به عنوان نگرشی مستقل پذیرفته شده و مطالعات جدی در این زمینه رو به افزایش است.

نظریه‌پردازان بسیاری به این مقوله پرداخته‌اند اما نخستین نظریه‌های سازمان‌یافته در این زمینه متعلق به گئورگ لوکاک^۱ است که توسط شاگردش، لوسین گلدمن^۲ پیگیری شد، گلدمن طی مطالعات خود کوشید تا رابطه‌ی میان اثر و جامعه را به اثبات برساند (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۵).

گرایش جامعه‌شناسی در نقد ادبی به شاخه‌های گوناگون تقسیم شده است و در هر زمینه پژوهش‌ها و مطالعات گوناگونی انجام گرفته است؛ اما شاخه‌ی مورد نظر از جامعه‌شناسی ادبیات در این پژوهش، جامعه‌شناسی ادبی^۳ است که متن و معنای آن را در نظر می‌گیرد. در این روش، با توجه به پدیده‌های اجتماعی، درک حاصل از متن گسترش می‌یابد. این رویکرد به بررسی دیالکتیک موجود میان اثر و ریشه‌های تاریخی - اجتماعی می‌پردازد (لنار، ۱۳۷۷: ۸۱-۸۲).

جامعه‌شناسی ادبیات و پژوهش‌های وابسته به آن، از اهمیت بسیاری برخوردار هستند اما تحقیقات انجام‌گرفته در این زمینه در ادبیات ایران هنوز حق مطلب را به جا نیاورده‌اند. این قبیل مطالعات و پژوهش‌ها گستردگی قلمروی بیشتری را می‌طلبد البته باید توجه داشت که نباید اهمیت این رابطه (جامعه‌شناسی - ادبیات) را یکسویه نگریست. حوزه‌ی مطالعات نباید تنها بر تأثراتی که جامعه بر ادبیات می‌گذارد، متمرکز شود و نباید از ادبیات آینه‌ای تصور شود که تنها بازتاب‌دهنده‌ی ساختارهای جامعه است. در واقع ادبیات را نمی‌توان به صورت مهره‌ای منفعل در نظر گرفت که انواع تفکرات و فرایندهای اجتماعی شکل گرفته در طول تاریخ را، منعکس می‌کند. ادبیات این توانایی را دارد که سازنده‌ی مقوله‌ی فرهنگ و ساختارهای اجتماعی باشد و آن‌چنان نقش محوری بیابد که باعث تحولات نیز گردد، بنابراین در بررسی جامعه‌شناسانه به آثار مختلف نباید نگاهی یک‌طرفه داشت.

نویسنده‌ی آثار ادبی در زمان و مکانی زندگی می‌کند که سویه‌های مختلف جامعه بر وی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، اندیشه‌ی نویسنده نمی‌تواند کاملاً از کهن‌الگوهای موجود در جامعه جدا شود. مجموعه‌ای از تفکرات حاکم و متأثر از شرایط فرهنگی، سیاسی به صورت بالقوه در جامعه وجود

^۱..Lukacs

^۲.Goldman

^۳.Literatursoziologie

دارد که برای شناخت آنها باید به بررسی جنبه‌های مختلف جامعه پرداخت تا چگونگی پیدایش سبک خاصی از تفکر روشن گردد (همان: ۸۶).

در تاریخ بیهقی نیز این فرآیند موجود است و وابستگی‌های ریشه‌ای (تفکری - فرهنگی) به صورت بالقوه در ذهن نویسنده‌ی آن وجود دارد.

هدف این رویکرد (جامعه‌شناسی ادبیات) آن است که تلاش نویسنده، مبنی بر بازتاب جامعه و لایه‌های آن را، نشان داده و چگونگی تقویت مسیر شکل گرفته شده در اجتماع و یا دگرگونی آن را بررسی کند. با بررسی آثار ادبی می‌توان جامعه‌ی مرتبط به آنها را نیز درک کرد. آثار ادبی باز و بسته (آثاری که صریحاً سخن می‌گویند و درمقابل آن‌هایی که از شیوه‌های غیرمستقیم برای بیان پیام خود استفاده می‌کنند) از جوامع دمکرات و بسته حکایت می‌کنند. نوع نوشتار نویسنده، بستگی مستقیم با جامعه دارد. بدین ترتیب با توجه به نقشی که اثر در ارتباط با تثبیت نظام حاکم بر جامعه و یا به چالش کشیدن آن ایفا می‌کند، می‌تواند در عین تأثیرپذیری، تأثیرگذار باشد.

با استفاده از نقد جامعه‌شناسانه است که مناسبات میان منافع سیاسی، اجتماعی گروه‌های مختلف جامعه و اثر مشخص می‌گردد. هر یک از گروه‌های جامعه برای کسب منافع خود به درونی کردن فرهنگ و اندیشه‌هایی در سطح جامعه می‌پردازد و به دلیل آن که این امر طی سالیان متوالی پیگیری می‌شود، در جامعه پذیرفته شده است. نویسنده‌ای که در داخل این جامعه قرار می‌گیرد از این نگرش‌ها و تفکرات جدا نیست و در نهایت از فضای فکری- فرهنگی موجود متأثر می‌شود. به همین دلیل گلدمن معتقد است که:

«نظام مفهومی نهفته در اثر ادبی، دو کارکرد دارد: از سویی وحدت اثر را می‌سازد و از سوی دیگر جهان‌نگری و آگاهی یک گروه اجتماعی را بیان می‌کند. اثر ادبی آفریده‌ی فرد نویسنده نیست، بلکه آگاهی جمعی، منافع و ارزش‌های اجتماعی گروه یا طبقه‌ای را نشان می‌دهد. فقط آثار بزرگ با انسجام خود جهان‌نگری و آگاهی جمعی را بیان می‌کند» (زیمبا: ۱۴۶-۱۴۷)^۴.

بیان این دیدگاه بدان معنا نیست که تنها کهن‌الگوهای موجود در ذهن نویسنده در ادبیات نقش دارند بلکه خود نویسنده نیز حضوری فعال دارد و اوست که با زمینه‌های اکتسابی خود به مقابله و یا حمایت از این کهن‌الگوها می‌پردازد. آنچه بارز است عدم امکان حذف این‌الگوهاست. توجه به عواملی که از خارج بر متن اثر می‌گذارند به معنای مقابله با بررسی زیباشناسانه اثر نیست و بررسی مستقل متن و زبان اثر را نفی نمی‌کند اما حرکات افراطی که بسترهای شکل‌گیری اثری را کاملاً حذف می‌کنند، قابل توجه نیستند. به طوری که ولادیمیر ژدانف^۵ بیان می‌کند:

« ادبیات را باید در پیوند جدایی‌ناپذیر با زندگی اجتماعی، برپایه‌ی زیر بنای عوامل تاریخی و اجتماعی‌ای که برنویسنده تأثیر گذاشته‌اند در نظر گرفت او این دیدگاه را که هر کتاب را واحدی مستقل و منفرد می‌داند، ذهنی و خودسرانه خواند و آن را رد کرد» (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۳).

نقد اجتماعی که از رویکردهای جدید و جذاب نقد ادبی است در سطح گسترده‌ای می‌تواند اعمال شود و در هنگام بررسی متن از یک بعد شناختی از ساختار جامعه به دست می‌آید و از جانب دیگر چگونگی تجلی آن در ابعاد گوناگون اثر (روایی، نحوی و ...) روشن می‌گردد (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۱۱۶).

در جامعه‌شناسی ادبیات با بررسی این رابطه‌ی متقابل می‌توان دریافت که چگونه قدرت و ایدئولوژی حاکم، زبان را به سمت خود می‌کشد و این زبان نیز به ترویج و یا مبارزه با قدرت مسلط، اهتمام می‌ورزد.

زبان تاریخ بیهقی وظیفه‌ای را برعهده می‌گیرد، به طوری که در حد انتقال اطلاعات تاریخی باقی نمانده. بازی بیهقی با زبان و وارد شدن آموزه‌های اخلاقی بیهقی که ناشی از جهان بینی وی است آن را از سایر کتب تاریخی جدا کرده است.

قضای نادرست در مورد یک اثر و حتی نویسنده‌ی آن زمانی صورت می‌گیرد که معلوم نباشد نویسنده در چه شرایط تاریخی-اجتماعی، اثر را نوشته است چرا که اعتقاد بر این است که تمامی دیدگاه‌ها و تفسیرهای نویسنده و حتی زبان نشان دهنده‌ی جهان بینی وی و شرایطی است که در آن به سر برده است. بنابراین، با عدم شناخت شرایط فکری-فرهنگی و اجتماعی نویسنده

⁵ Jedonuf

در مورد نقد آثار، احتمال لغزش بسیاری وجود دارد. پس بهتر است از طریق بررسی ارتباط جامعه با اثر برخاسته از آن، تفکر و زبان نویسنده‌اش براساس زمان و جامعه‌ی عصر خود ارزیابی شود. زمانی که برای شناخت اثری از رویکرد جامعه شناسانه استفاده شود، شناخت ماهیت اثر با اشتباهات کمتری همراه خواهد بود زیرا همواره جنبه‌هایی از شرایط جامعه در اثر راه می‌یابد که عدم توجه به آن‌ها، امکان شناخت اثر و اساس عملکرد آن را دشوار می‌سازد (دیچز، ۱۳۶۶: ۵۵۲).

هرگونه تلاش مغرضانه برای قطع کردن پیوند جامعه- اثر عبث است، پیوند این دو مقوله به اندازه‌ی پیوند واژه از جمله و جمله از گفتار جدایی ناپذیر است (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۰۱).

اساسی‌ترین فعالیت‌ها برای توجه به خود متن و زبان اثر بدون وجود عوامل خارجی در اندیشه‌های شکل‌گرایان^۶ دیده می‌شود؛ اما حتی فرمالیست‌ها نیز یکسره تمامی عوامل دگرگونی متن را انکار نکردند، بلکه آنان نیز بر این باور بودند که تغییرات متأثر از جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی هستند و بسترهای اجتماعی بر شیوه‌های بیان ادبی تأثیر گذارند. بنابراین، آن‌ها به این ارتباط معتقد بودند اما آنچه در مسیر مطالعاتی فرمالیست‌ها مورد توجه و در مرکز اهمیت قرار داشت، پرداختن به شکل بیان بود (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۳).

عوامل گوناگونی ممکن است پیوند دهنده‌ی جامعه و اثر باشند که تغییر پذیری آن‌ها باعث ایجاد تحولات گوناگونی در اثرهای مختلف می‌شود. یک اثر دارای عناصر گوناگونی برای پیوند با جامعه است. اریش کوهلر^۷ عوامل این تغییر پذیری را تابع چهار عامل اساسی می‌داند: (پوینده، ۱۳۷۷: ۲۲۹).

۱. «اوضاع و احوال تاریخی

۲. تعلق نویسنده به یک طبقه و به گروهی از این طبقه و در نتیجه آگاهی او

۳. شخصیت و پرورش فرهنگی نویسنده

۴. نوع ادبی برگزیده‌ی نویسنده.»

تعلق نویسنده به طبقه‌ای خاص از سایر عوامل مهم‌تر است. جریان‌های جامعه و اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخی زمان زندگی نویسنده مؤثر هستند و نمی‌توان درباره‌ی جهت دهی آنان شکی قائل شد، اما تعلق به یک گروه و جامعه باعث می‌شود که نوع خاصی از اندیشه و آگاهی در فرد پرورش یابد.

⁶ Formalist

⁷ Kohler

تعلق خاطر نویسنده به طبقه‌ای در جامعه، بخش عظیمی از جهان بینی وی را می‌سازد. وابستگی به یک طبقه‌ی خاص باعث می‌گردد که نویسنده کاملاً در خطوط و مرزهای مشخص شده توسط آن طبقه، حرکت کرده و همواره منافع طبقه‌ی اجتماعی‌اش را مدنظر قرار دهد. زمانی که اثری در ارتباط با طبقه‌ی نویسنده آن مورد تحلیل تطبیقی قرار گیرد چگونگی ارتباط طرفین (اثر و طبقه‌ی اجتماعی) بهتر درک شده و شناخت عمیق‌تری نسبت به هر دو طرف رابطه با توجه به تأثیراتی که بر هم دارند، به دست می‌آید (هاورز، ۲۵۳۵: ۱۶۹).

بیهقی به برترین طبقه‌ی حاکم در جامعه وابسته بوده، یعنی طبقه‌ای که تعیین‌کننده‌ی تمام جوانب دیگر جامعه است. پس با بررسی ارتباط میان این دو، وضعیت کلی جامعه‌ی عصر بیهقی روشن‌تر شده و زوایا و تأثیرات اجتماعی تاریخ بیهقی نیز آشکارتر می‌شود.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که آثار ادبی به شیوه‌ای رازوارانه الهام نمی‌شوند. بنابراین، صرفاً بر پایه‌ی روان‌شناسی پدیدآورندگانشان نباید آن‌ها را توضیح داد. این آثار شیوه‌ی نگریستن به جهانند که از ذهنیت اجتماعی یا ایدئولوژی هر عصری گرفته می‌شوند. این ایدئولوژی ناشی از فرایند روابط اجتماعی است که انسان‌ها در زمان و مکان خاص به این روابط وارد شده و ایدئولوژی ناشی از آن‌ها را تجربه کرده و بدان‌ها مشروعیت و تداوم می‌بخشند. افراد جامعه در محدوده‌ی این روابط حرکت می‌کنند (با وجود تمامی مقابله‌هایی که ممکن است با آن داشته باشند) و باید توجه داشت که انسان‌ها برای برگزیدن روابط اجتماعی که ناشی از طبقه‌ای است که فرد در آن جای می‌گیرد، همواره آزاد نیستند چرا که براساس ضرورت مادی و مرحله‌ی تکامل اقتصادی‌شان وارد این روابط می‌گردند (ایگلتون، ۱۳۸۳: ۳۰).

پس توجه به روابط اجتماعی و طبقه‌ای که بیهقی بدان وابسته است در بررسی اثرش اجتناب ناپذیر است. فرهنگ و تفکری که بیهقی از طبقه‌ی مورد علاقه‌ی خود ترویج کرده و در پی تقویت بوده، باید بسیار مورد توجه قرار گیرد.

از وظایف مهم جامعه‌شناسی ادبیات بررسی محتواهاست. در این‌گونه مطالعات مشخص می‌شود چه راهکارها و تفکراتی توسط قدرت تقویت شده و به درون اثر راه می‌یابد و بدین ترتیب فرهنگ خاص نافذ در آثار، در راستای اهداف قدرت و موارد مورد تأیید آن گسترش می‌یابد.

نویسنده میانجی این ارتباط است ولی همانطور که پیش از این هم ذکر شد غالباً نویسنده خود نیز به صورت مطلق در قالب‌های تعیین شده اجتماعی حرکت نمی‌کند. وی شیوه‌های منحصر به فرد

نویسندگی و استفاده از زبان را در اختیار دارد که به وی امکان (با وجود تمام پای‌بندی‌ها) خارج شدن از چارچوب‌های اجتماعی را داده، به طوری که تأثیرگذار هم باشد.

نویسنده در پی ترسیم همه جانبه‌ی اوضاع و احوال پیرامونش است، وی در عین حال که مایه‌های گوناگونی را دریافت می‌کند، از طریق جهان بینی خود به تحلیل و بازتاب این مایه‌ها می‌پردازد و این امر توسط شیوه و سبک انتخابی وی نمودار می‌گردد. دیدگاه‌های نویسنده و شرایط اجتماعی زندگی وی در رویکردهایش نسبت به زبان و سبک‌های مختلف تأثیرگذار است. بدین معنا که شرایط اجتماعی و جهان بینی خاص می‌تواند نویسنده را به سبک و سیاق خاصی از نویسندگی سوق دهد. بنابراین، در کنار تمام جنبه‌های سبکی و زبانی نویسنده، تحلیل دیدگاه و تفکرات وی که ناشی از محیط اجتماعی- فرهنگی پیرامونش است، ضروری است.

«همه‌ی جنبه‌های سبکی و معنایی اثر، قسمت‌های زنده‌ای از یک کل پیچیده تلقی می‌شود که جوهر وحدت بخش آن ذهن نویسنده است پس برای آگاهی از ذهنی که متن براساس آن ساخته شده است باید به جنبه‌هایی از آگاهی او (نویسنده) پردازیم که در کارش منعکس شده است» (ایگلتون، ۱۳۶۸: ۸۳).

زمانی که معنای اثر و هدف نویسنده که در لا به لای معنای متن نهفته است، مشخص شود بهتر می‌توان رابطه‌ی متقابل میان اثر و جامعه را دریافت.

اثر نوعی رسانه‌ی ارتباطی است که برای برقراری این ارتباط نیازمند شکل بیرونی جالب، مؤثر و بی نقصی است اما این شکل، جدا از پیام و معنای نهفته در آن (که جزء اهداف اصلی نویسنده) است کاملاً بی معنی و بی اهمیت می‌شود. بنابراین، ضروری است که در شروع این مسیر ابتدا به دریافت درونی معنای ویژه‌ی خود اثر دست یافت (ابوتادیه، ۱۳۷۷: ۱۰۹).

معنای اثری همچون تاریخ بیهقی تلاش برای حقیقت‌گویی و نشان دادن ساختار حکومت غزنویان و مناسبات آنان است با بررسی این امر میزان موفقیت بیهقی و تأثیر جامعه بر روند شکل‌گیری اثر وی بارزتر خواهد شد. در دوران‌های زیادی تا به امروز هنر (که از شاخه‌های آن ادبیات است) نقش کلیدی در ایجاد تحولات مهم اجتماعی داشته و یکی از وظایف ادبیات تلقی می‌شده است. اهمیت زیاد این رابطه با دقت کردن بر حساسیت قدرتمندان نسبت به ادبیات و فرهنگ جامعه‌ی تحت نفوذشان بیشتر نمایان می‌شود. از آنجا که ادبیات در قوت و ضعف قدرت می‌تواند